

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۲، شماره پیاپی ۲۳
بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۵۳-۱۷۹

مطالعه‌ای بر پیدایش هنر سکه‌دوزی در پوشاک زنان ایرانی دوره صفویه*

سید محمد مهرنیا^۱

ندا آشوری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

چکیده

استفاده از پوشاک سکه‌دوزی شده طی پنج قرن اخیر در لباس زنان ایرانی به‌منزله فرهنگی وارداتی رایج شد. در این پژوهش خاستگاه اصلی، چگونگی ورود این هنر و نحوه گسترش این آرایه در پوشش زنان ایرانی ریشه‌یابی شده است. آغاز ورود مسکوکات روی لباس زنان ایرانی از دوره صفویه بوده است. تبیین عوامل رواج این هنر در پنج قرن اخیر ایران نیز بخشی از هدف پژوهش به‌شمار می‌آید. استفاده از سکه با طرح پرندگان، با تصور دریافت نیروهای نهفته در نقوش حک‌شده در سکه‌ها که با اعتقادات شمنی آمیخته شده بود، باوری را در زنان ایرانی ایجاد کرد که به استفاده گسترده از سکه‌دوزی میان آنان منجر شد. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و براساس نظریه گفتمان قدرت میشل فوکو برای دستیابی به زمینه‌های پذیرش فرهنگ وارداتی سکه‌دوزی در میان زنان قاجار، صفوی و ماقبل آن نگاشته شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد به‌دنبال آشنایی زنان ایرانی با پوشش سکه‌دوزی زنان اقوام ترک که در دوره صفویه تحت عنوان قزل‌باش به‌شکلی گسترده به ایران وارد شدند، با همان هدف دریافت نیروهای ماورایی نقوش مندرج در سکه‌ها، به استفاده از سکه‌هایی با نقوش جدید با هویت و ماهیت ایرانی از قبیل بز، ماهی، مار و شیر مبادرت کردند که در فرهنگ ایرانی مقدس شمرده می‌شدند.

واژه‌های کلیدی: پوشاک زنان ایرانی، پوشاک زنان ترک‌تبار، سکه‌دوزی، گفتمان قدرت، هویت‌بخشی.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ندا آشوری با عنوان «تأثیر ویژگی‌های بصری پوشاک صاحب‌منصبان بر ادراک مخاطب با استناد به نظریه گفتمان قدرت میشل فوکو» به راهنمایی دکتر سید محمد مهرنیا است.

۱. استادیار گروه طراحی و چاپ پارچه، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

mehrnia@semnan.ac.ir

۲. مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای، کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

ashoorineda1020@gmail.com

مقدمه

سکه‌دوزی در پوشش زنان اقوام مختلفی که در ایران زندگی می‌کنند، نقش تکمیل‌کننده پوشش را عهده‌دار است. با وجود جلوه‌گری دوخت‌ها و نقوش اصیل ایرانی که در پوشاک ایرانیان از دیرباز در مستنداتمانند سنگ‌نگاره‌های باستانی و آثار به‌جامانده از دوران پیش از اسلام مشاهده می‌شود، نشانه‌هایی از دوخت مسکوکات در آن‌ها وجود ندارد. همچنین در دوره‌های اسلامی اثری از استفاده فراوان از زر و زیور به چشم نمی‌خورد. طی چند قرن اخیر در پوشش زنان ایران شاهد استفاده بسیار زیاد از سکه و فلزات دیگر به‌منزله آرایه متصل به لباس و به‌مثابه زیورآلات هستیم. براساس یافته‌های پژوهش این آرایه‌ها ریشه در فرهنگ اقوام دیگر دارند که در همسایگی دریای خزر می‌زیستند. در این نوشتار چگونگی ورود و رواج استفاده از سکه در پوشش زنان اقوام ایران و عوامل گسترش هنر سکه‌دوزی و تنوع نقوش در میان اقوام ایرانی نیز بیان شده است. برای رسیدن به این نکات در ابتدا به ریشه‌یابی و گستردگی سکه‌دوزی در پوشش زنان اقوام مختلفی که در ایران زندگی می‌کنند، پرداخته شد؛ زیرا این هنر گاه نقش تکمیل‌کننده پوشاک را عهده‌دار است. درباره عرصه فرهنگی اجتماعی در دوره صفویه که زمینه‌ساز نفوذ سبک پوششی اقوام غیر ایرانی به فرهنگ پوشش ایرانیان شده بود نیز مختصری بحث شده و سپس تنوع استفاده از سکه و نقوش مندرج در آن‌ها در پوشش زنان اقوام مختلف ایران در پنج قرن اخیر بررسی شده است. دستیابی به این نکته که خاستگاه اصلی سکه‌دوزی نزد کدام اقوام است و این هنر چه زمانی به ایران وارد شده است نیز از اهداف این پژوهش محسوب می‌شود.

پیشینه پژوهش

در میان مطالعاتی که در زمینه پوشش بانوان ایران انجام شده است، کمتر پژوهشی وجود دارد که به‌طور ویژه به مبحث تزئینات و آرایه‌های متصل به لباس وارد شده باشد. بیشتر کتاب‌هایی که درباره پوشاک ایرانیان بحث کرده‌اند، به ذکر استفاده از سکه در پوشش زنان اقوام مختلف ایران اکتفا کرده‌اند. درباره بررسی زیورآلات نیز بررسی‌ها بیشتر به اقوام و دوره زمانی قاجاری محدود بوده است؛ مانند پژوهش جلیل ضیاءپور که در کتاب *زیور زنان ایران* در بخش زیورآلات اقوام، سکه‌دوزی را از اجزای پوششی زنان اقوام ایران برشمرده است. همچنین مهرآسا غیبی در کتاب *۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایران*، به تبعیت از ضیاءپور چنین تقسیم‌بندی را برای این نوع از زیور زنان ایران برشمرده است. در هیچ پژوهشی به‌طور دقیق به بیان ورود این هنر به عرصه پوشش زنان ایران و استفاده و کاربرد این سبک در میان زنان شهری یا درباری و اشراف ایران اشاره نشده است. ژیللا پاشایی در مقاله‌ای با عنوان «ظهور نقش‌مایه ماهی آیین

مهر در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفویه و قاجار» به بررسی نقوش سکه‌هایی که در این دوران ضرب شده، پرداخته است و می‌توان گفت بازگشت به فرهنگ ایران باستان و نقوشی که برای ایرانیان مقدس بوده است، در این دوره بر مسکوکات و همچنین مهرها دیده می‌شود؛ از این رو بدیع‌بودن این پژوهش را به دلیل نگاه خاص و موجز در ورود و انتشار این عنصر به عرصه پوشش بانوان ایران می‌توان تأیید کرد. در پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ داده شد که چگونه هنر سکه‌دوزی در پوشش زنان اقوام ایرانی وارد شد و گسترش یافت.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله از نوع پژوهش‌های کیفی است و از شیوه گردآوری اطلاعات به صورت منابع و اسناد کتابخانه‌ای بهره برده است. همچنین در آن از شیوه توصیفی-تحلیلی استفاده شده است؛ بدین صورت که در ابتدا به شرح اصطلاحات تخصصی پرداخته است. سپس نحوه ورود پوشش‌های سکه‌دوزی شده و نیز تنوع نقوش به‌کاررفته در این مسکوکات در پنج سده اخیر به‌منزله یک فرهنگ وارداتی بررسی شده و برای این منظور از نظریه گفتمان قدرت میشل فوکو بهره گرفته شده است. گفتمان قدرت اقوام مختلف در پنج قرن اخیر ایران توانسته است سکه را به اشکال مختلف در اجزای پوشش زنان ایران وارد کند.

مبانی نظری

شرح مختصر گفتمان قدرت

میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴) که یکی از متفکران پرنفوذ در حیطه دانش، قدرت، عینیت و ذهنیت و شناخت تکوینی تاریخ بود، تعریفی تازه از قدرت ارائه داد (حسین‌زاده راد، ۱۳۸۸: ۱۱۹). از منظر او قدرت در لایه‌های گوناگون اجتماع انسانی جاری است و در تعاملات بشری ریشه دارد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۸). نحوه پوشش افراد در هر اجتماعی یکی از روش‌های ارتباط در تعاملات اجتماعی است که از دیدگاه فوکو این ارتباطات در ظرفی به شکل گفتمان شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. همچنین گفتمان از واقعیت جداست، اما بدون گفتمان نمی‌توان درباره واقعیت بحث کرد؛ به این معنا که اگر بخواهیم به چگونگی ورود آرایه‌های فرهنگی گوناگونی که در هر اجتماع یافت می‌شود، دست پیدا کنیم، باید به دنبال ریشه‌یابی روابط و گفتمان‌های موجود در دوره‌های مختلف تاریخی در هر اجتماع باشیم. همچنین باید بدانیم قدرت علاوه بر سرکوب گفتمان‌های غیر همسو، مولد نیز محسوب می‌شود. قدرت در گردش است، جریان دارد، در سطح خرد میکروفیزیک فوکو عمل می‌کند و تنها در بافت بازنمایی است که گردش قدرت از اهمیت برخوردار است (همان: ۶۱-۵۹). قدرت همواره بخشی از یک زنجیره خواهد بود

که عمل می‌کند. همچنین از راه انواع شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی اعمال می‌شود و افراد در این شبکه‌ها هم در موضع اطاعت از قدرت و هم در موضع اعمال آن هستند؛ به این صورت که با پیروی از یک سبک پوششی خاص یا کد لباس ویژه گروهی خاص علاوه بر اطاعت کردن از آن سبک، خود نیز به‌مثابه یک پایگاه اعمال آن در اجتماع عمل می‌کنند و می‌توان گفت این‌گونه قدرت از افراد عبور می‌کند.

یکی از نخستین آثار قدرت، فرد است که در آن بدن‌ها، ژست‌ها و گفتمان‌ها به‌صورت امری فردی شناسایی و ساخته می‌شوند. برای به‌نتیجه‌رسیدن درباره قدرت باید از سازوکارهای بسیار کوچک‌تر قدرت شروع کرد؛ در این میان می‌بینیم چطور این سازوکارهای مستحکم با انواع عمومی سلطه فراگیر احاطه، استعمار، دگرگون، زیرورو، جابه‌جا و گسترده شده‌اند (فوکو، ۱۳۸۹: ۷۱). یکی از سازوکارهای بسیار کوچک در هر اجتماع انواع سبک‌های پوششی است که در طبقات مختلف در هر دوره زمانی رایج می‌شود؛ زیرا پوشش نمود بیرونی تغییر گفتمان‌های قدرت در دوره‌های مختلف هر ملیتی است. بررسی تغییرات در وضع لباس افراد و طبقات مختلف در هر اجتماع می‌تواند نمایانگر ظهور و سقوط قدرت‌ها و گفتمان‌های متعدد در دوره‌های مختلف باشد که هر یک به‌دلیل اثبات حقانیت خود سبکی نو در وضع ظاهر ملت ایجاد می‌کنند. این‌گونه است که میکروفیزیک‌های قدرت در کنار هم چهره جامعه را تغییر می‌دهند و می‌توانند نمودی از قدرت و گفتمان‌های نوظهور باشند که گاه عمری کوتاه و گاه بلند دارند و در هر دوره با وضع قوانین نانوشته و گاه نوشته پوشش در اجتماع اثبات می‌شوند (Roach-Higgins, & Eicher, 1992: 1-4). در این میان، سکه‌دوزی نیز می‌تواند از این دست گفتمان‌ها در سطح میکروفیزیک باشد که در وضع ظاهری بانوان از دوره صفویه با قدرت گرفتن برخی اقوام ظاهر شد و در دوره‌های بعدی نیز رواج یافت.

مراودات فرهنگی ایرانیان و ترکان

در میان اقوامی که ساکن آسیا و در فاصله نزدیک ایران هستند، ساکنان دشت‌های گوبی بیش از دیگر اقوام خواستار ورود به ایران بودند. علاوه بر این، پراکندگی جمعیت این اقوام به‌ویژه در اطراف دریای خزر را نمی‌توان نادیده گرفت (تارنمای شماره ۲۵). قبایل مختلف از این ناحیه همواره در طول تاریخ کوچ‌نشین بودند و پهنه جغرافیایی خاصی را موطن خود نمی‌دانستند، بلکه به‌دلیل اعتقادات شمن‌پرستانه‌ای که داشتند، سبک زندگی کوچ‌نشینی را موجب رشد و کمال می‌دانستند. این اعتقادات شمن‌پرستان در تمامی لایه‌های زندگی آنان رسوخ کرده بود و به‌ویژه در پوشش زنان و مردان که تقلیدی از لباس شمن‌قبیله بود به زیبایی تبلور یافته بود (الیاده، ۱۳۸۷: ۲۴۵). این همه زمینه‌ساز ورود این اقوام و مراوده آنان با ایرانیان بوده است.

شرایط اجتماعی ایران در هر دوره تاریخی با ورود اقوام گوناگون دست‌خوش تغییراتی عظیم و موجب بروز فرهنگی نو شده که برگرفته از ریشه‌های فرهنگی ایرانیان و تلفیق آن با آداب قوم غالب بوده است. این تعاملات همواره میان دو فرهنگ وجود داشته است و ایرانیان نیز در طول تاریخ توانسته بودند تأثیرات بسیاری بر آنان بگذارند. یکی از شهرهایی که در طول دوره‌های مختلف همواره رابط میان آن‌ها و ایرانیان بوده و خود را همواره ایرانی‌تبار می‌دانسته است، دربند در کشور روسیه است که مردمی مسلمان دارد. تلفظ این کلمه «دربند»^۱ به صورت «دربنت» است و «دربند» نیز گفته می‌شود. تعداد زیادی کتیبه به خطوط فارسی و دری از دوره‌های مختلف ساسانی، صفوی و قاجار را در بناهای این شهر می‌توان یافت. مسجد جمعه، نارین قلعه و حصار شهر آثاری هستند که برای حکومت‌های منطقه اهمیت داشتند و دارای کتیبه‌های از حکومت‌های ایرانی، عرب، مغول و ترک هستند (رضوان‌فر، ۱۳۹۵: ۸۴).

برخی اقوام ساکن دشت‌های گوبی و اطراف دریای خزر

اقوام بسیاری در آسیای مرکزی و اطراف دریای خزر زندگی می‌کنند که ترک‌تبار هستند؛ چوواش، باشقیر (باشکیر)، تکین، قرقیز (کرکیز)، سارت، یاگنوبی، تاتار و چرکس نام برخی از اقوام ترک‌تبار است که در دشت‌های گوبی کوچ‌نشین هستند و در دوره‌های مختلف به انواع گوناگون با ایرانیان مراوده داشتند یا به ایران وارد شدند؛ برای مثال چرکس‌ها در شمال غرب قفقاز سکونت داشتند و در سه قرن اخیر، محل بحث‌های سه دولت روس، ایران و عثمانی بودند (زرگری‌نژاد و کاظم‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۶-۸۴).

طی قرون مختلف مراودات سیاسی و فرهنگی بسیاری بین ایرانیان و این اقوام وجود داشته است و اکنون شاهد پیوندی عمیق میان ساکنان ایران و ترک‌تباران ساکن دشت‌های گوبی^۲ در پهنه خاک ایران هستیم؛ به‌گونه‌ای که تأثیرات فرهنگی بسیاری بر هم گذاشته‌اند. پیروی زنان ایران از سبک پوششی زنان ترک با استفاده از سکه در آذین سر و لباس در پوشش زنان ایران از آن دست است. در ادامه برای آشنایی بیشتر به نقوش مقدس در فرهنگ ترکان پرداخته شده و همچنین نمونه‌هایی چند از پوشش زنان اقوام ترک‌تبار ساکن اطراف دریای خزر بیان شده است.

آشنایی با برخی نقوش رایج در فرهنگ ترکان

تصاویر، زبانی برای بیان آرزوهای بشر هستند و می‌توانند گویای اعتقادات اقوام باشند؛ از این رو بررسی نقوش مقدس در هر قوم اهمیت خاصی دارد. نقوش رایج در فرهنگ اقوام ترک ساکن

1. Derbent

۲. اقوام ساکن دشت‌های گوبی کوچ‌نشینان ترک‌تباری هستند که برخی از این اقوام به نام‌های چوواش، باشقیر، قرقیز یا کرکیز، تاتار، چرکس هستند. (تارنمای شماره ۲۵).

دشت‌های گوبی که در اطراف دریای خزر می‌زیستند، ریشه در اعتقادات شمنیسم دارد؛ زیرا بیشتر کارکرد نقوش شفادهنده، محافظت‌کننده و علامت متمایزکننده یک قبیله و قوم بوده است. ردپای این کارکردها در میان باور و افسانه یافت می‌شود که هنوز هم ترکان و ترکمنان به آن‌ها احترام می‌گذارند و در پوشش آنان رعایت می‌شود. در این افسانه‌ها هر جانوری ویژگی خاصی دارد. گاهی نیز برای توصیف افراد شبیه‌سازی اشخاص به خلق و خوی حیوانی صورت می‌گیرد (آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۸۳-۸۵). درباره استفاده از زر و زیور در پوشش زنان اقوام ترک و به‌ویژه ترکمنان ساکن ایران باید به اعتقادی که جنبه حفاظتی آن پررنگ‌تر به ایفای نقش می‌پردازد نیز اشاره کرد. در باور زنان ترکمن صدای ناشی از برخورد قطعات زیورآلات در پوشش آنان مانند طلسمی محافظ است و ارواح شرور را دور می‌کند. همچنین به اعتقاد آنان فلزات و سنگ‌های نیمه‌قیمتی عملکرد باطل‌السحر را در خود دارند. نکته جالب‌توجه در این اقوام این است که همه طبقات جامعه در پوشش خود قطعاتی از این زیورآلات را الزاماً به کار می‌برند (حسینی، ۱۳۹۲: ۴). انواع سنگ‌هایی که در زیورهای زنان ترک به کار می‌رفته، تنها برای زیبایی نبوده است، بلکه هدف استفاده از قدرتی که در سنگ قیمتی وجود دارد، مدنظر سازندگان و مردم این قوم بوده است. در باور زنان ترکمن سنگ عقیق مانع زخم و خونریزی آسیب به جنین است. سنگ فیروزه نیز از انسان در برابر چشم شیطانی محافظت می‌کند (نوروزی و زکریایی، ۲۰۱۵: ۱۷).

در ادامه برای بررسی بیشتر جایگاه باور به تأثیرات نقوش در زندگی روزمره اقوام ترک می‌رسیم که در همسایگی با مناطق شمال ایران می‌زیستند. همچنین طی قرون به ایران وارد شدند و ساکن منطقه شمالی رشته‌کوه البرز و جنوب دریای خزر شدند. این قوم بعدها در دوره اسلامی به نام «ترکمن» خوانده شدند و برخی از اعتقادات خود را در قالب‌هایی نو همچنان حفظ کردند. حتی امروز نیز در صنایع دستی ترکمنان جایگاه اسطوره‌ای نقوش انکارنشده است و این امر در فرم زیورهای زنان دیده می‌شود که به انواع شکل در قالب محفظه‌هایی برای نگهداری ادعیه و حفاظت از فرد استفاده‌کننده ساخته می‌شوند و امروزه همچنان خودنمایی می‌کنند.

جدول ۱. برخی زیورآلات زنان و مردان ترک و ترکمن که نشان‌دهنده کارکرد حفاظتی اشیا برای فرد پوشنده هستند

ردیف	تصویر	کارکرد	شرح	منبع
۱		گردن‌آویز	طومار: محفظه نگهدارنده ادعیه و حرز	آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۷۵
۲		گردن‌آویز	آچارباغ: محفظه نگهدارنده ادعیه و حرز	آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۷۷
۳		گردن‌آویز	قاب طلسم: محفظه نگهدارنده ادعیه و حرز	آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۷۸
۴		کیف کوچک فلزی	هیكل کیف کوچک فلزی برای نگهداری طلسم و دعا	آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۷۹
۵		گردن‌آویز	محفظه نگهدارنده ادعیه و حرز	Diba, 2011: 26
۶		تاج و شلاق شاه	سنگ فیروزه برای محافظت از چشم شیطان	Diba, 2011: 98

منبع: نگارندگان

ردپای دوخت سکه در اعتقادات شمنیسم ترکان

در میان اعتقادات قبایل ترک گاه دیده شده است که هر شغل را خدایی حمایت می‌کرده است و برای دستیابی به موفقیت به درگاه آن خدا دعا می‌کردند. همچنین تمام مشکلات و

بیماری‌ها را به خشم مردگان نسبت می‌دادند. اعتقاد سنتی چوواش سیستمی پیچیده از باورها بود که براساس اساطیر چوواش، فلک بر چهار ستون طلا، نقره، مس و سنگ استوار است. در بالای ستون‌ها لانه‌های پرندگانی وجود دارد که در هرکدام سه تخم است؛ از این‌رو می‌توان اعتقاد به تقدس پرندگان شکاری و قدرتمند را که ریشه در اساطیر ترکان دارند، دلیل تقدس نقش پرندۀ شکاری در نزد این اقوام دانست (کبیری و امیرحاجلو، ۱۳۹۳: ۴۲). همچنین در اعتقادات آن‌ها شمن‌ها از اعتبار والایی برخوردارند؛ زیرا توانایی برقراری ارتباط با خدایان و نیروهای طبیعت را دارند. لباس شمن نیز که نوعی پوشش مقدس بود و می‌توان گفت الگویی برای پوشش جامعه شمن‌پرست بوده است، از اجزای گوناگونی مانند نوعی ماسک و کلاهی بافتنی به همراه یک پیراهن جبه‌مانند تشکیل شده است. این پیراهن بلند با دیسک‌هایی از جنس آهن به تصاویر حیوانات اساطیری مزین است. به اعتقاد آن‌ها این دیسک‌های آهنی از شمن در مقابل ارواح شرور و ضربه‌های آنان محافظت می‌کند. لباس شمن‌ها در بیشتر موارد باید با تعداد زیادی از زیورآلات فلزی تزئین شود. سروصدای این اشیای فلزی نیز هنگام رقص بسیار زیاد است. به اعتقاد آن‌ها این اشیای فلزی روح دارند و باید از جنسی باشند که از زنگ‌زدگی مصون باشند. این دیسک‌ها و اشیای فلزی حاوی تصاویر حیوانات و پرندگان مقدس هستند (الیاده، ۱۳۸۷: ۲۴۳-۲۴۴).

میان نخستین شمن و عقاب ارتباطی اساطیری برقرار است و تصور می‌شود عقاب پدر او است و در تشریف شمن به او یاری می‌رساند؛ چراکه عقاب نماد موجود برین است (همان: ۲۵۷) و همین ارزش و اعتبار اساطیری موجب شد سکه‌هایی با نقوش پرندگان شکاری و عقاب را برای استفاده در پوشش انتخاب کنند. حتی امروزه نیز ترکمنان پوششی به نام «چاوود-جبه» دارند که شبیه پالتو است و در بخش پایین آن برای تزئین از سکه‌هایی استفاده می‌شود که با یک قطعه فلزی به آن‌ها جوش داده شده است تا قابل دوخت شوند. آنان معتقد هستند صدای برخورد این سکه‌ها به هم در حین حرکت، فرد پوشنده لباس را از شر نیروهای منفی مصون می‌دارد و موجب حفاظت از بیماری‌ها می‌شود. سکه در کمربند، آذین مو، کلاه و دیگر اجزای پوشش زنان ترکمن نیز استفاده می‌شود (آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۴۲-۶۰).

در ادامه برخی نقوش مقدس در فرهنگ ترکمن‌های ساکن ایران که در هنرهای مرتبط با الیاف مانند سوزن‌دوزی روی البسه آنان نیز کاربرد دارد و جزء جدانشدنی پوشش و فرهنگ زنان این قوم به‌شمار می‌آید، بررسی شده است که گواهی بر تقدس نقش عقاب و حیواناتی دارد که روی سکه‌های اقوام ترک نقش می‌شده‌اند و بر تمام هنرهای اقوام ترک تبلور یافته‌اند؛ از قالی‌بافی که آذین محیط زندگی است تا سوزن‌دوزی که آذین البسه زنان ترک به‌شمار می‌آید.

جدول ۲. بررسی برخی نقوش سوزن‌دوزی و قالی‌بافی زنان ترکمن و مفهوم آن

ردیف	نقش	نام نقش	شرح	منبع
۱		فانت‌جن	نقش سوزن‌دوزی ویژه دم پای شلوار زنان ترکمن، نقش بال به نشانه پرواز و رسیدن به آمال و آرزوهای دختران و نعروسان	آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۹۹-۹۸
۲		قوچوق، قوچاق، اوج	در میان طایفه اوغوز ترکمن جزء شش اونقون مقدس و وابسته به زادوولد و حاصلخیزی	آق‌آتابای، ۱۳۹۸: ۱۰۴
۳		قوچوق، قوچاق	این نقش بیانگر توت‌م حافظ و حیات‌بخش است.	ذبح و حاتم، ۱۳۹۲: ۷۴

منبع: نگارندگان

اقوام ترک‌زبان در ایران

برخی اقوام ساکن اطراف دریای خزر در دوره‌های مختلف طی چند مرحله به ایران وارد شدند و تا حدودی از حکومت سامانیان به رده‌های بالاتر اجتماع ورود پیدا کردند؛ تا آنجا که در دستگاه خلیفه عباسی از قدرت بسیار بهره‌مند شدند. در دوره سامانیان نیز سرداران سپاه ترک‌زبان و دیگر نهاد نظامی ترک در بخارا کنترل حکومت را به دست گرفتند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۴۱). همچنین حکومت‌های غزنوی و سلجوقی ترک‌تبار بودند و در ایران به قدرت رسیدند. به‌طور کلی می‌توان گفت از قرن سوم دسته‌هایی از این اقوام وارد ایران شدند و از قرن پنجم در امور سیاسی ورود پیدا کردند (باژورث و همکاران، ۱۳۹۲: ۱-۲). در خارج از خاک ایران نیز در سده ششم هجری در آسیای میانه در اطراف رشته‌کوه‌های آلتایی، امپراتوری به نام «ترک» شکل گرفت. آغورها و قرقیزها وابسته به این امپراتوری ترک بودند. مغولان، ترکان شرق و آن‌ها را که در شمال ماوراءالنهر بودند، با اعمال فشار از شرق به غرب راندند و استپ‌های غربی از آن پس معروف به ترکستان شد. مردم این ناحیه نیمه‌ایرانی بودند، اما نام ترک را انتخاب کردند که بعدها آغورها مهم‌ترین قوم این دسته در منطقه اطراف دریای خزر و ایران تأثیرات فراوانی گذاشتند (همان: ۴-۶).

دوره صفویه زمینه‌ساز قدرت‌گرفتن ترکان در اجتماع ایرانیان

در دوره صفویه تحولات اعتقادی در میان این اقوام رخ داد و تأثیراتی در سطح جامعه داشت؛ زیرا این اقوام نیاپرست بودند و بعد از پذیرش اسلام اعتقادات کهن خود را همچنان حفظ کردند. در امتداد آن نیز بسیاری از زندگان مدعی تقدس و مردگان مقدس شمرده شدند و به‌جای توت‌های قبيله خود در مقام تقدس قرار گرفتند. به‌مرور زمان برای این نیاز به تقدس‌پنداری برای بازماندگان آنان دستگاه‌های سلطنتی موسوم به خانقاه و برای مردگان گنبد و بارگاه ساختند و آن‌ها را واسطه میان خدا و انسان پنداشتند که توانایی دخالت در امور خلقت و کائنات را داشتند. همچنین متوفیان را نیمه‌خدایانی دارای قدرتی شبیه به خدایان ادیان کهن سامی دانستند (خجنی، بی‌تا: ۱۰-۱۱). در دوره صفویه این قبایل از نفوذ و قدرت فراوان در دستگاه حکومتی برخوردار شدند؛ تا آنجا که حتی بدون حمایت آنان شاه اسماعیل نمی‌توانست به قدرت برسد (فیضی سخا، ۱۳۹۸: ۱۲۰). ترکان قزل‌باش حامی دولت صفویه حالت دست‌های بزرگ اشغالگر متشکل از چند ده هزار مرد جنگی با افراد خانواده‌شان را داشتند که همواره در مناطق مختلف کشور در نقل و انتقال بودند؛ زیرا سنت زندگی بیابان‌گردی دیرینه به آن‌ها عادت داده بود برای مدت درازی در یک نقطه جاگیر نباشند. این تعدد قبایل و گستره وسیعی که به‌عنوان محل‌های زندگی و کوچ برگزیده بودند، سبب شده بود محدوده وسیع جغرافیایی را تحت تأثیر اعتقادات و آداب رسوم خود قرار دهند.

ترکان حامی شاه اسماعیل بعد از مسلمان‌شدن نیز همچنان باورهای قدیم را حفظ کردند و شیخ را به‌جای جادوگر قرار دادند و او را قادر به دخل و تصرف در امور کائنات پنداشتند. آن‌ها امام علی (ع) و امامان شیعه را به‌جای توت‌های سابق قبيله نهادند و برای آنان مرتبه فرابشری قائل شدند؛ به‌ویژه به امام علی مرتبه‌ای در حد خدای مسلمانان دادند (همان: ۱۲۳). احترام و قدرتی که شاه اسماعیل به قزل‌باشان داده بود نیز در این مورد مزید بر علت شده بود. افرادی که می‌خواستند خود را به قزل‌باشان نزدیک و در دستگاه حکومتی شخصیتی کسب کنند، به هر نحوی بود ترکی می‌آموختند و ترکی سخن می‌گفتند. جوامع شهری ایران در نتیجه این شیوه قزل‌باشان و تبرایان، هیچ راهی جز نفاق و دورویی نداشتند. مردم کشور ما مجبور بودند تظاهر کنند بر مذهب آنان هستند، کلاه قزل‌باش بر سر نهند، ریش بتراشند و سبیل بگذارند (خجنی، بی‌تا: ۲۳۰-۳۵۱).

عامل مؤثر در پیدایی مسکوکات در پوشش بانوان ایرانی

به‌منظور دستیابی به نحوه ورود و گسترش هنر سکه‌دوزی در پوشش زنان اقوام ایران باید به نفوذ و قدرت اقوام ترک در ایران دوره صفویه توجه کنیم؛ زیرا شیوه تبعیت‌خواهی مردم برای

کسب آرامش و رفاه نسبی اجتماعی در آن دوره را می‌توان گواهی برای الگو قراردادن رفتارها و سبک زندگی ترکان بین عامه مردم دانست و به‌طور طبیعی پوشش نیز بخشی مهم از رفتارهای اجتماعی است. در این‌گونه شرایط برای نشان‌دادن وحدت اولین اقدام تغییر پوشش بوده است. در میان زنان ایران مانند دیگر دوره‌ها الگو قراردادن بانوان دربار و اشراف رایج بوده است. این بانوان که بیشتر ترک‌تبار بودند یا با زنان ترک مراد داشتند، سبک پوششی ترکان را که با مسکوکات آذین می‌شد، به‌عنوان سبک تزئین پوشش عامه پذیرفتند. درباره تأثیرات نقوش سکه‌ها در این دوران می‌توان بیان کرد در میان عوامل گسترش هنر سکه‌دوزی ضرب سکه با نقوشی چون شیر، خروس و ماهی که برای ایرانیان بار معنایی همراه با تقدس داشت نیز بی‌تأثیر نبوده و مزید بر علت شده است (پاشایی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). سبک پوشش و تزئین گاه از روی تقیه به نشانه تبعیت از حاکمیت و قدرت در پوشش عامه زنان ایران طی سال‌ها امتداد پیدا کرد؛ زیرا می‌توان گفت قزل‌باشان در واقع واکنشی در برابر قرن‌ها پادشاهی‌هایی بودند که در اجتماع مسلمانان به‌عنوان اهل سنت جریان داشتند و شیعیان به‌اجبار با شیوه‌های «کتمان و تقیه» آشنا شده بودند. اکنون نیز در فرهنگ ایرانیان و پوشش مردان در اجتماع برای حفظ جان و مال خود به پیروی از آداب و سنن و زبان و سبک پوششی قزل‌باشان صوفی اقدام می‌کردند (تکمیل همایون، ۱۳۸۲: ۱۷۵). ورود جمعیت ترک طی این قرون به منطقه ماهیت قومی ایرانی را تغییر داد؛ برای مثال جمعیت شهر خوارزم طی دو قرن کاملاً ترک شد (بازورث و همکاران، ۱۳۹۲: ۷-۱۳) و این نیز نشان‌دهنده گسترش فرهنگ و رسوم این قوم است که در مراودات و آمیزش با دیگر اقوام ساکن و بومی هر منطقه خودنمایی می‌کند.

لباس اقوام ترک و منزلت آن در دوران صفویه

لباس روش ساده‌ای برای تعریف شخص در فرهنگ سنتی و اجتماعی است. به‌طور کلی می‌توان گفت لباس شایسته‌ترین و اجتماعی‌ترین شناسایی در میان همه فرهنگ‌ها از یک جامعه به جامعه دیگر است (اکدمیر، ۲۰۱۸: ۱۳۹۳-۱۳۹۴). در دوره صفویه نیز این مهم را می‌توان درباره تاج عنوان کرد؛ آنجا که شیخ حیدر صفوی تاج قزل‌باش را به‌منزله نماد طریقت صفوی رواج داد، با انتساب تاج به امام علی (ع) و وجود دوازده ترک، آن را به نشانه تشیع نیز تبدیل کرد؛ در این صورت یک عنصر ویژه از پوشش توانست بیان‌کننده شأن و منزلتی والا در یک سیستم جدید حکومتی باشد و دقیقاً برای تغییر استانداردهای قدرت در یک گروه خاص، مجوز استفاده از تاج به تدریج در اختیار گروه‌ها و اشخاصی غیر از قزل‌باشان نیز قرار گرفت. این روند تا آنجا پیش رفت که افراد مطیع دولت صفوی تاج را به نشانه اطاعت و وفاداری بر سر می‌گذاشتند. تا زمان شاه‌عباس اول تاج به نشان صفویان تبدیل شده بود و حتی شاه با دست

خویش تاجی را به رابرت شرلی اعطا کرد (سید بنکدار، ۱۳۹۵: ۱۹۵-۱۹۶) و با اهدای تاج به یک غیر ایرانی منزلت تاج را به کلی تغییر داد؛ از این رو تاج از عنصری که نشان‌دهنده یک قومیت خاص بود، به عنصری تغییر یافت که نشان‌دهنده هواداری از حکومت است و معنای گسترده‌تری یافت.

در اینجا تاج به منزله نمونه‌ای از عناصر پوششی آقایان به صورت جزئی آورده شد. گفتنی است تبعیت از سبک و سیاق پوشش ترکان به همین نقطه محدود نمی‌شد و در پوشش بانوان زمان صفوی نیز امتداد داشت؛ هرچند نمایش و دیدن لباس‌های زنان مرسوم نبود و مایه ننگ شمرده می‌شد. منابع و تصاویر از پوشش بانوان در مقایسه با آقایان کم است، اما در کتاب *زیورهای زنان ایران از دیرباز تا کنون* (۱۳۴۸) ضیاءپور به نقل از *سفرنامه شاردن* اشاره می‌کند آرایش سکه‌های فراوان و زیورها روی البسه زنان در این دوره (صفوی) امری مرسوم است؛ به طوری که بخش اعظم جواهرات شاهزاده خانم‌ها روی البسه آنان دوخته می‌شده و امکان مشاهده آنان توسط نامحرم وجود نداشته است. همچنین به گفته شاردن این نکته بسیار جالب توجه می‌تواند سابقه‌ای قدیمی‌تر از دوره صفویه داشته باشد. شاردن توانسته بود به کمک خواجه‌باشی دربار یک ردا از لباس‌های عمه شاهنشاه را ببیند؛ از این رو ادعا کرد ممکن است این رسم در دوره‌های حکومت‌های ترک پیشین (سلجوقیان و غیره) رایج بوده باشد (ضیاءپور، ۱۳۴۸: ۳۸۲)، اما متأسفانه به دلایل اعتقادی و محدودیت‌های نمایش پوشش بانوان در منابع دیگر کمتر اشاره‌ای به آرایه‌های پوشش زنان ایرانی و دوخت مسکوکات شده و در بیشتر موارد تنها به بیان لباس‌های زردوزی اکتفا شده است.

ورود باورهای ترکان در سبک پوششی ایرانیان (دوره صفوی)

درباره پرسش آخر که نقش گفتمان قدرت در باورپذیری کارکرد ماورایی نقوش مندرج در سکه‌ها مدنظر است، باید به ورود ترکان در دستگاه حکومتی صفویه و تغییر برخی باورها و سبک‌های پوششی که این اقوام در اجتماع ایران به وجود آوردند، توجه کرد. تأثیرات این اقوام ترک در روابط زنان اجتماع نیز رسوخ کرد و موجب تحولی در جایگاه و آزادی‌های اجتماعی زنان شد. بیشتر زنان ترک‌تباری که در دربار و حرم‌سرای پادشاه زندگی می‌کردند، از نژادهای ایرانی، ارمنی، گرجی و چرکس بودند. می‌توان گفت به طور کلی پوشش زنان در دوره شاه سلطان حسین مانند دوره‌های پیش‌تر بود. زنان در این دوره کلاهکی بر سر می‌گذاشتند که روی آن را با سکه‌های طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی زینت می‌دادند (تقوی و موسوی، ۱۳۹۲: ۸۷-۹۱). این کاربرد سکه در پوشش زنان صفوی از عناصر فرهنگ ترکی بود که در دوره‌های گذشته وارد فرهنگ پوششی زنان ایران شده بود. در میان اقوام ترک با پیشینه شمنی و اعتقاد به نیرویی که در پرندگان شکاری

وجود داشت، سکه‌ها و فلزاتی که به نقش پرنده‌گان قدرتمند شکاری مزین شده بودند، برای اتصال به لباس انتخاب می‌شدند. در حکومت صفوی نیز این رسم میان زنان ایرانی به نشانه‌ حمایت از آداب و رسوم ترکان یا به دلیل کسب قدرت‌های ماورایی و جنبه‌ حفاظتی که با صدای برخورد سکه‌ها ایجاد می‌شد امتداد یافته است که با توجه به شواهد احتمال رواج به دلایل ماورایی بیشتر است؛ زیرا در این دوره و در میان زیورآلات صفویه شاهد ورود عناصری هستیم که به لحاظ فرم قرارگیری روی بدن مانند زیورآلات ترکی و از نظر محتوا و شیوه کارکرد می‌توان گفت تحت تأثیر صوفیان و دراویش قزل‌باش هستند و حتی در مینیاتورها نیز منعکس شده‌اند؛ مانند آویز چهل بسم‌الله که جنبه‌ تقدس دارد و ممکن است برای حفظ فرد از شر نیروهای منفی ابداع و استفاده شده باشد؛ هم به دلیل تقدس عدد چهل در میان دراویش و هم از نظر قداست کلام. «در یک مینیاتور جوانی علاوه بر گوشواره زنجیر یا نواری با آویزهایی به شکل ازگیل با نقش چهل بسم‌الله دارد که از شانه‌ چپ به پهلو راست حمایل شده، این‌طور به نظر می‌آید که مرد از اشراف دربار و سقایی با این تعویذ است» (غیبی، ۱۳۹۱: ۲۹۴).



شکل ۱. سمت راست، بخشی از مینیاتور دوره صفوی جوانی با چهل بسم‌الله

سمت چپ، نمونه یک ریسه چهل بسم‌الله

منبع: غیبی، ۱۳۹۱

پوشش زنان ساکن دشت‌های گوبی و اطراف دریای خزر



شکل ۲. پیراهن و کلاه زنانه منطقه ولگا بلغار که با آویزهای مختلف فلزی، سکه‌ها و... تزئین می‌شود

منبع: تارنمای شماره ۷

لباس‌های ترکان علاوه بر هدف محافظتی دارای کارکردهای نمادین و آیینی بود (ذابح و حاتم، ۱۳۹۲: ۶۹). انسان به مرور یاد گرفت از لباس برای خود حفاظتی به منظور عوامل نامرئی و ماورایی بسازد، از اشکالی که در اطراف می‌دید برای الگوگرفتن بهره برد و به مدد تزئینات و متصل کردن آرایه‌هایی به پوشش خود با اطراف و عوامل طبیعی ارتباط برقرار کند (Toph, 1960: 3). مانند پوشش زنان چوواش که روپوشی زینت‌یافته با مدال‌های فلزی، سکه و مهره‌های سنگی بود و سرپوش آنان اغلب مهره‌دوزی می‌شد تا از خاصیت‌های سنگ‌ها نیز بهره کافی ببرند (تارنمای شماره ۸).



شکل ۳. زن و دختر چوواش با پوشش سکه‌دوزی شده (منطقه چیستوپولسکی استان کازان)

منبع: Toph, 1960

تیلور اعتقادات چوواش در تفاوت پوشش زنان و دختران آنان به خوبی دیده می‌شود. در شکل ۳ شخصی که در سمت راست قرار دارد، برای آذین لباس خود از سکه‌های کمتری در مقایسه با فرد سمت چپ بهره برده است. دختران چوواش در ساخت لباس‌های خود از برش‌های کمی استفاده می‌کنند. همچنین سطح گلدوزی‌شده کمتری را در لباس‌های خود به کار می‌برند (همان: ۳۶).



شکل ۴. زنی از کوهستان ماری استان کازان با آذین‌های سکه در سر و سینه

منبع: همان

لباس‌های زنان کوکوشنیک ابریشم‌دوزی شده و با سنگ‌ها و مروارید تزئین شده است. سکه‌های نقره را نیز به لباس خود می‌دوزند و کلاهی به نام کیتچکی دارند که در جلو طلادوزی شده و با مهره‌های چندرنگ تزئین شده است. همچنین نوعی کلاه به نام سرپوش دارند که ۳۰-۴۰ روبل روی آن می‌دوزند و گاه به دلیل ارزش بالای آن از مادر به دختر به ارث می‌رسد (تارنمای شماره ۹). در روستاهای نزدیکی شهرک پچورا در استان پسکوف، زنان متأهل سر خود را با یکپارچه چیت می‌بندند و روی سینه پیراهن آنان با یک صفحه فلزی مخصوص پوشانده شده است که آن نیز مانند یک ارثیه ارزشمند مملو از سکه‌های نقره است. همچنین گردنبندهایی از مهره سنگی می‌پوشند که روی آن‌ها سکه نقره و مدال آویزان کرده‌اند (همان). همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌کنید، استفاده از سکه در پوشش زنان ترک رایج است.

جدول ۳. شباهت انواع سکه‌دوزی در پوشش زنان ساکن ایران و زنان اقوام ساکن اطراف

دریای خزر

شماره	اقوام ساکن ایران	شرح سکه دوزی	منبع	اشتراکات در استفاده از سکه	اقوام ترک ساکن آسیا	شرح سکه دوزی	منبع
۱	چنشت 	چنشت از روستاهای خراسان جنوبی است. حمایلی از سکه از اجزای پوشش زنان چنشت است.	تارنمای شماره ۵	حمایل سکه	تاتارها 	لباس زنانه تاتارستان. قرن ۱۹-۲۰ میلادی گردن آویزها و حمایلی از سکه‌های نقره دارند.	تارنمای شماره ۱۷
۲	دهکده حجیج اورامان 	سربند با سکه‌های فراوان زینت یافته است.	(غیبی)، ۳۸۷:۱۳۹۱	سرپوش سکه دوزی شدۀ مجلل	واتیاک 	سیبری، «اورینکا»، عروس جوان با کلاه تشریفاتی و آدین گردن و سینه مملو از سکه‌های نقره.	تارنمای شماره ۱۹

ردیف	اقوام ساکن ایران	شرح سکه دوزی	منبع	اشتراکات در استفاده از سکه	اقوام ترک ساکن آسیا	شرح سکه دوزی	منبع
۳	پاشاکی 	روستایی در گیلان است. کلاهک و جلیقه سکه دوزی شده از اجزای پوشش زنان پاشاکی است.	تارنمای شماره ۵	استفاده از سکه در سرپوش و جلو لباس	تبرسرانی طبرسرانی 	یکی از اقوام قفقازی هستند که در پوشش سر و آذین مو و گردن آویز از سکه‌های نقره استفاده می‌کنند.	تارنمای شماره ۲
۴	زنان لر 	زنان لر با سکه‌دوزی جلو پیراهن به همراه آویز مو و گردن‌بندی از سکه‌های نقره دیده می‌شوند.	تارنمای شماره ۶ (غیبی)، ۱۳۹۱:۴۱۷	استفاده از سکه در سرپوش و جلو لباس	باشقیرها 	زن باشقیر جوان پوشش سر و آذین مو و گردن آویز از سکه‌های نقره استفاده می‌کند.	تارنمای شماره ۲۱
۵	گالیکش 	در استان گلستان سرپوش و آذین سینه این زنان مملو از سکه دوزی	تارنمای شماره ۴	جلو سینه و آذین سرزنان مملو از سکه است.	چوواش 	دهقانان استان پنزا. «لباس ملی روسیه»، ۱۸۶۹. آذین مو، گردن و سینه مملو از سکه‌های نقره است.	تارنمای شماره ۲۴
۶	کردهای بجنورد 	عرق چین دختر جوان دو ردیف سکه دارد و به لبه جلیقه نیز یک ردیف سکه دوخته شده است.	(ضیاء پور، ۱۳۴۸:۴۴۸)	سکه در سرپوش استفاده شد ه است	چوواش 	توخیا، سرپوش دخترانه. سکه دوزی شده است. گردن زنانه نیز در تصویر دیده می‌شود که با صدف تزئین شده است.	تارنمای شماره ۱۰

ردیف	اقوام ساکن ایران	شرح سکه دوزی	منبع	اشتراکات در استفاده از سکه	اقوام ترک ساکن آسیا	شرح سکه دوزی	منبع
۷	کردهای کلات نادری 	زبور زنان شبیه به کرمانچ‌ها است و در تزئین لباس نیز از سکه استفاده می‌کنند.	(غیبی)، ۱۳۹۱: (۴۲۰)	سکه در سرپوش استفاده شده است	چوواش 	خوشپو: سرپوش سکه دوزی شده زنانه - قرن ۱۹	تارنما ی شماره ۱۲
۸	ابیانه 	گردن‌آویزی از سکه از اجزای پوشش زنان ابیانه است.	تارنمای شماره ۶	زیورآلات گردن‌آویز سکه‌دوزی شده	چوواش 	زینت سینه زنانه از پارچه، مهره و سکه دوزی شده	تارنما ی شماره ۱۳
۹	رامیان، گلستان 	از ترک‌های قاراؤیلو (گرایلی) خراسان هستند. گردن‌آویزی از سکه‌های فراوان را همراه لباس خود می‌پوشند.	تصویر تارنمای شماره ۳	زیورآلات گردن‌آویز سکه‌دوزی شده	چوواش 	زینت سینه‌زنان با تزئین پشتی پوشکیسه. از سکه‌های نقره، پارچه و مهره‌های زینتی که بلندی آن تا کمر فرد می‌رسد.	تارنما ی شماره ۱۴
۱۰	ترکمن 	زنان و دختران ترکمن از زیورآلات ساخته‌شده از سکه نیز برای زینت لباس و سرپند و غیره استفاده می‌کنند.	(غیبی)، ۱۳۹۱: (۳۹۳)	آذین سرپوش مملو از سکه است	چوواش 	هوپشو: یک روسری زنانه که از سکه‌های نقره ساخته شده است.	تارنما ی شماره ۱۵

ردیف	اقوام ساکن ایران	شرح سکه دوزی	منبع	اشتراکات در استفاده از سکه	اقوام ترک ساکن آسیا	شرح سکه دوزی	منبع
۱۱	کرمانج 	قوم کرمانج ساکن شمال خراسان. در جلو جلیقه و بخش سربند از سکه‌های فراوان استفاده می‌کنند.	تارنمای شماره ۱	جلو سینه زنان و سرپوش مملو از سکه است.	چوواش 	زن جوان متأهل با لباس جشن که شامل سرپوش و آذین سینه است.	تارنمای شماره ۱۸
۱۲	کرد کرمانشاه 	زن جوان کرد گردنبند و جلیقه‌ای مملو از سکه دارد.	(ضیاء پور، ۱۳۴۸:۴۵۴)	جلو سینه و گردن آویز زنان مملو از سکه است.	چوواش 	زینت سر و سینه زنان چوواش از سکه‌های نقره ساخته شده است.	تارنمای شماره ۱۹
۱۴	بختیاری 	زیور عرق چین مجلل زنان بختیاری که از سکه و گل‌های منجوقی ساخته شده است.	(ضیاء پور، ۱۳۴۸:۴۷۱)	سکه در زیورآلات عروس‌ها کاربرد فراوان دارد.	چوواش 	تصویر یک عروس در مراسم عروسی (۱۹۳۰) منطقه نیژنی نووگورود	تارنمای شماره ۲۰
۱۵	شاهسون‌ها 	از عشایر منطقه آذربایجان هستند. جلوی جلیقه این زنان پوشیده از سکه است.	تارنمای شماره ۵	جلو سینه زنان مملو از سکه است.	چوواش 	زنان چوواش با دو مدل از آذین سینه متفاوت سکه‌دوزی	تارنمای شماره ۲۱

ردیف	اقوام ساکن ایران	شرح سکه دوزی	منبع	اشتراکات در استفاده از سکه	اقوام ترک ساکن آسیا	شرح سکه دوزی	منبع
۱۶	 <p>گرچی</p>	در طول حکومت سلسله‌های صفویه، افشاریه و قاجاریه گرچی‌ها در ایران ساکن شده‌اند. در جلیقه و سرپوش این زنان سکه می‌دوزند.	تارنمای شماره ۲	جلو لباس و گردن‌آویز زنان مملو از سکه است.	 <p>چوواش</p>	زینت گردن و سینه از سکه نقره با نقش پرنده‌گان در سمت چپ و حمایل سکه و گردن‌آویز سکه در سمت راست	تارنمای شماره ۸
۱۷	 <p>بلوچ</p>	تصویر اول شرابه‌های بلوچی جهت آذین مو و روسری است.	(ضیاء پور، ۱۳۴۸: ۴۷۷)	آویزهای که در کنار صورت قرار می‌گیرد، با سکه ساخته شده است	 <p>چوواش</p>	خوشیا یا خشپا: کلاه تشریفاتی دخترانه. اوایل قرن بیستم به همراه آذین سینه سکه دوزی شده است.	تارنمای شماره ۲۲

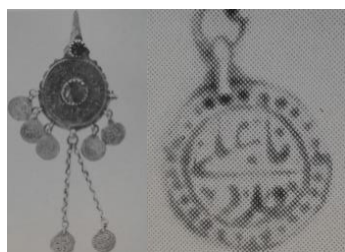
منبع: نگارندگان

پوشش همواره یکی از ابزارهای ارتباط غیرکلامی و نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌ساز در هر اجتماع بوده است. برای شناخت مختصر شرایط فرهنگ و اجتماع ترکان و تطبیق نوع پوشش زنان ایران با اقوام ترک‌تبار ساکن دشت‌های گوبی مطالبی ارائه شد. در ادامه این امر از منظر گفتمان فوکویی و مبادلات فرهنگی که ترکان یا قزل‌باشان در پنج قرن اخیر و به‌ویژه در عهد صفوی داشتند، بیان می‌شود.

تجلی مراودات فرهنگی در سکه‌دوزی و پوشش زنان ایران

لباس زنان اقوام ساکن ایران همیشه تحت تأثیر عوامل گوناگونی بوده است؛ از جغرافیا و اقلیم تا شیوه زندگی و فعالیت‌هایی که هر زنی در خانواده بر عهده دارد، تعیین‌کننده نوع پوشش او هستند. علاوه بر این‌ها عواملی مانند طبقه اجتماعی، سن و نیز آداب‌ورسوم و اعتقادات در سبک پوشش زنان ایران بسیار مهم و تأثیرگذار هستند. همان‌طور که رابطه‌های قدرت همواره

امکانی به نام مقاومت را در خود دارند و مقاومت مستقل از قدرت نیست، در این مورد نیز زمینه‌های فرهنگی ایرانیان مبنایی برای ساختن مقاومت را شکل دادند. استفاده از سکه برای زنان اقوام ساکن دشت‌های گوبی جنبه حفاظتی دارد و در ایران زنان از این ویژگی سکه‌دوزی بهره گرفتند و سکه‌هایی با نقوش مناسب ایرانیان را برای اتصال به لباس و زیورهای خود به کار گرفتند؛ زیرا اساس روابط قدرت متکی به کثرت نقاط مقاومت است. این نقاط در شبکه قدرت مانند دشمن، هدف، حمایت یا دستیابی به مناسبات قدرت هستند (حسین‌زاده راد، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۲۱). در ایران زمان صفوی احتمالاً پوشش زنان و استفاده از سکه از سوی زنان دربار (مانند عمه شاه‌عباس) و سران قزل‌باش با حمایت و تشویق مواجه می‌شده است. همچنین با توجه به رواج صوفیگری و تشیع از این زمان تا زمان قاجاریه روند فرهنگی در اجتماع بازگشت به ارزش‌های باستان‌المان‌های اساطیری بود که روی سکه‌ها ضرب می‌شدند؛ همراه با نمادهای مقدس ایرانیان مانند شکل ۴ که عبارت مقدس را در خود دارد یا «در زمان صفویه سکه «فلس» که با نقش‌مایه‌های مختلف حیوان در دوره صفوی به بعد معمول شد. در این دوره نقش بز کوهی، ماهی و مار بر سکه‌ها ضرب می‌شد و نقش سکه‌ها در کاشان خروس و در اصفهان شیر نر و در گیلان ماهی بود. فلوس‌ها یا سکه‌های مسی، که از سوی حاکمان محلی ضرب می‌گشتند، کم‌ارزش‌تر از سکه‌های زرین و سیمین بودند که از سوی دولت وقت ضرب می‌شد» (پاشایی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). احتمالاً رواج مروارید در پوشش و زیورآلات زنان و مردان دوره صفوی نیز در امتداد همین جریان بازگشت به المان‌های اساطیری ایران بوده است. با توجه به شکل ۵، استفاده از سکه‌هایی که عبارات مقدسی را در خود دارند، برای ساخت زیورآلات رایج بوده است. در اینجا نمونه‌ای از آذین کلاه یا عرق‌چین را مشاهده می‌کنید که به عبارت «یا علی مدد» مزین شده است و زنان جنوب ایران از آن استفاده می‌کردند.



شکل ۵. آویز کلاه یا عرق‌چین زنان جنوب ایران با سکه‌هایی مزین به عبارت «یا علی

مدد»

منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۸

از آنجا که لباس را می‌توان بهترین ابزار سلطه از نوع خودخواسته (هژمونی و سلطه‌ای که در آن طبقه فرودست جامعه با علاقه و رضایت درونی تن به پیروی از آرمان‌ها و اعتقادات طبقه فراتر می‌نهند) در نظر گرفت، جهان با انواع نشان خانوادگی، شخصیت، رمز و کلمه‌های مبهم «رمز نوشته‌ها» پوشیده شده است. امضا برای هر خاندان، طبقه و دسته می‌تواند رابطه امر دیدنی با نادیدنی باشد (امامی، ۱۳۸۹: ۷۱). در اجتماع با تقلید از سبک پوششی اقوام ترک، خاندان صفوی و همه‌گیری تاج قزل‌باش در میان مردان، نگارندگان احتمال می‌دهند سبک پوششی و زیورآلات زنان ترک نیز همه‌گیر شده باشد و به تدریج از اعتبار و انحصاری بودن تاج در نزد قزل‌باشان در دربار صفوی کاسته شده است تا بدین وسیله قدرت طلبی قزل‌باشان نیز کنترل شود. بهره‌گیری از نقوش ارجمند ترکان روی سکه‌های دوخته‌شده در لباس‌ها نیز تغییر می‌کند. استفاده از سکه‌هایی مانند فلس با نقوشی مانند ماهی که برای ایرانیان از تقدسی دیرینه برخوردار است یا سکه‌هایی که حکام محلی ضرب می‌کردند و نقوش یا عباراتی را که برای ایرانیان مقدس بود در خود داشتند، شاهد حرکت هژمونی براساس اصل مقاومت در سیستم قدرت فوکویی است؛ زیرا به نظر فوکو، قدرت تنها در کنش‌ها خواهد بود و ذاتاً به سرکوب غریزه و طبیعت افراد مشغول است. قدرت را می‌توان ادامه جنگ با ابزارهایی دیگر نامید که با ابزارهای غیرمربار در حال وقوع است (فوکو، ۱۳۸۹: ۵۳).

درک و شناخت ما از واقعیت زمانی میسر است که بتوانیم بازنمایی‌های واقعیت را بشناسیم؛ البته باید گفت انعکاس و بازتاب پدیده‌ها بازنمایی نیست؛ زیرا بازنمایی در واقع تولید و ساختن معنا براساس برخی چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. سیاست بازنمایی موجب می‌شود کالاها و قدرت در محیطی اجتماعی به‌طور نامساوی تقسیم شوند. کلیشه‌سازی یا ساده‌سازی همه چیز در چند دسته یکی از خصلت‌های سیاست بازنمایی است که در دسته‌بندی‌های خود تفاوت‌ها را ذاتی، همیشگی و طبیعی در نظر می‌گیرد. از دید فوکو کلیشه‌سازی نوعی از بازی قدرت/ معرفت است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱-۱۶). کلیشه‌شدن استفاده از تاج در میان مردان و سکه‌دوزی در میان زنان نمونه نمایش عالی از این شیوه‌ها بود. درباره مد و اجتماع نیز باید گفت، لباس دو عملکرد سیاسی دارد: لباس‌ها نمادهای غالب جامعه را به چالش می‌کشند و گروه‌هایی را متحد می‌کنند تا ایده‌ها و تصاویر غالب جامعه را به چالش بکشند. لباس نماد مهمی از هویت جمعی است؛ بنابراین می‌توان احساس غرور و اجتماع را با آن تقویت کرد (ورنکوسکا، ۲۰۰۹: ۶۷۰). مد در واقع یک نیروی اجباری برای تأمین هنجارها و نمادهای فرهنگی است. قومیت نیز در چندین زمینه بر مد تأثیر می‌گذارد و قومیت و لباس باید با مکان و زمان کنار بیایند؛ زیرا لباس قومی شبیه سنت نیست، بلکه متعلق به مد و محرک اصلی هویت است. مد ذاتاً یک پدیده رابطه‌ای است. برای اینکه چیزی مد شود، باید تعداد زیادی از

افراد قدرتمند و الگوها آن را بپذیرند و دیگران نیز تقلید کنند (Aspers, Godart, 2013: 187-183). این دقیقاً اتفاقی بود که در عصر صفوی درباره پوشش ایرانیان و اقوام حمایت‌کننده دولت صفوی (قرل‌باشان) رخ داد.

نتیجه‌گیری

سکه‌دوزی هنری است که امروزه در پوشش محلی بسیاری از زنان ایران در اقصی نقاط گستره جغرافیایی ایران به انواع مختلف دیده می‌شود. این هنر از عناصر پوششی ایرانیان پیش از اسلام نبوده است و در طی دوره‌های حکومتی مختلفی که اقوام ترک بر ایران استیلا یافتند، به اجزای پوششی زنان وارد شده است، اما همان‌طور که در نظر فوکو درک و شناخت ما از واقعیت زمانی صورت می‌گیرد که بتوانیم بازنمایی‌هایی را که از این واقعیت می‌شود، به‌درستی بشناسیم، باید در ابتدا دلیل ورود این هنر را به عرصه پوشش زنان ایران جویا شویم. براساس نظریه گفتمان قدرت میشل فوکو ما می‌توانیم قدرت را در بستر تعاملات زبانی و اجتماع بشری ببایم که در گفتمان سروشکل پیدا می‌کنند و معنا می‌یابند. گفتمان غالب در پنج قرن اخیر در میان اجتماع ایران همواره غلبه حکام بر ملت بوده است. در دوره حکومت صفویه به‌دلیل حمایت‌های ترکان قزل‌باش که از قدرت و نفوذی بالا برخوردار بودند، تبعیت از آداب‌ورسوم ترکان به دلایل مختلف میان مردم رواج بیشتری یافت و به‌تدریج مانند بیشتر مواقع ریشه‌های فرهنگی ایرانیان در آداب‌ورسوم اقوام غالب حل شد؛ زیرا براساس نظر فوکو قدرت هم‌زمان سرکوبگر و مولد است؛ مانند غلبه باورهای ایرانیان بر رسوم اعتقادی شمنی در گفتمان ذهنی زنان ایران؛ زیرا ابزار و پدیدآورنده قدرت گفتمان است که مقاومت را خلق می‌کند. در جدول ۴ که پوشش زنان ترک و ایرانی (چند قرن اخیر یا بعد از صفوی) بررسی شد، شاهد تعاملی میان سبک‌های دوخت سکه بر پارچه در پوشش ترکی و تلفیق آن با سبک و سیاق پوشش اقوام ایران هستیم. همچنین بهره‌گیری از مواد و متریال فرهنگی هر منطقه را حتی در جدول ۳ شاهد بودیم که کاربرد سکه در پوشش زنان اقوام ترکمن در منطقه فلسطین و تغییر نقش سکه را نشان می‌دهد. در این میان تأثیرات قبایل بومی منطقه بر نحوه اتصال سکه به پوشش، کاملاً ویژه و متمایز است و نشان می‌دهد چگونه سبک و سیاق هر منطقه به همراه آداب‌ورسوم اقوامی که از دشت‌های گوبی آمده بودند، توانسته است نوعی از سبک پوششی خاص را که همراه با المان‌های هویت‌ساز است ایجاد کند. این دقیقاً اصل گفتمان را بیان می‌کند که مدنظر میشل فوکو است. در یک گفتمان نیز قدرت و مقاومت ظهور پیدا می‌کنند و سازنده هویت در اجتماع هستند که نمود بارز آن هویت در پوشش هر محدوده جغرافیایی خود را به نمایش می‌گذارد. تغییر سکه‌دوزی از یک عنصر بیگانه به جزئی از پوشش زنان ایران روندی را طی کرده است که

در این مورد می‌توان به ریشه استفاده از سکه در اعتقادات اقوام ترکی که از دشت‌های گوبی می‌آمدند و تقدس پرندگان شکاری مراجعه کرد که در میان زنان ایران غریبه بود، اما از آنجا که شرایط زمانه ایجاب می‌کرد از سبک و سیاق پوشش زنان دربار و اشراف ترک استقبال شود، این سبک را که به‌نوعی ریشه در اعتقادات شمنی دارد، تغییر دادند. زنان ایران نیز از سکه‌هایی با عبارات مقدس و نقوشی مانند ماهی، خروس، مار و شیر نر که رنگ و بوی فرهنگ ایرانی و جایگاهی مقدس نزد ایرانیان دارند، استفاده کردند. همچنین در هر منطقه جغرافیایی از ایران آن‌ها را به همراه آداب و رسوم قومیتی که داشتند ترکیب کردند و به اقسام گوناگونی از استفاده سکه در پوشش رسیدند که خاص هر منطقه شد؛ به این صورت سیر تطور سکه‌دوزی در میان اقوام ایرانی طی شد و تا امروز ادامه دارد؛ تا جایی که دیگر سکه در آذین و رودوزی‌های البسه زنان نه تنها عنصری بیگانه نیست، بلکه به‌زیبایی نشان‌دهنده اصالت است که با آن، آداب و رسوم گذشته جامعه را نمایان می‌کنند و در حفظ آن می‌کوشند.

منابع

- آق‌آتابای، فاطمه (۱۳۹۸). پژوهشی در نقش‌های ترکمن و کاربرد آن در لباس‌های امروز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه آموزشی ارتباط تصویری. دانشکده هنر دانشگاه سمنان.
- الیاده، میرچاه (۱۳۸۷). شمنیسم: فنون کهن خلسه. ترجمه محمدکاظم مهاجری. قم: ادیان.
- اشپولر، برتولد، بازورث، کلیفورد، سومر، فاروق، کاهن، کلود و مینورسکی، ولادیمیر فئودورویچ (۱۳۹۲). *ترکان در ایران*. ترجمه و تدوین یعقوب آژند. تهران: مولی.
- بهمنی، پردیس و صفاران، الیاس (۱۳۸۹). سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران. گروه هنر. دانشکده هنر و رسانه. دانشگاه پیام نور.
- خجنی، امیرحسین (بی‌تا). *قزلباش در ایران نقش قزلباشان صفوی در تاریخ ایران زمین*. نشر الکترونیک: وبگاه www.irantarikh.com.
- ضیاءپور، جلیل (۱۳۸۸). *زیور زنان ایران از دیرباز تا کنون*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۱). ۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایران. تهران: هیرمند.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (بی‌تا). *زین‌الخبیر*. مصحح عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- فوکو، میشل (۱۳۶۳). *نظم/اشیای دیرینه‌شناسی علوم*. ترجمه یحیی امامی، ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پاشایی، ژیلا (۱۳۹۳). ظهور نقش‌مایه ماهی آیین مهر در مهرهای دوره قاجار و فلس‌های دوره صفویه و قاجار. فصلنامه گنجینه اسناد، ۲۴(۲)، ۱۰۶-۱۳۷.
- تسلطی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای مفهوم هژمونی و سلطه در اندیشه گرامشی و مارکوزه. نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، ۵۱-۵۲، ۱۰۰-۱۱۲.
- تقوی، عابد و موسوی، سیده مونا (۱۳۹۲). بررسی حضور اجتماعی زنان و سیر تحول پوشش در نگاره‌های عصر صفوی. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ، ۵، ۸۱-۱۰۲.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۲). نقش تشیع در جنبش‌های سیاسی صوفیان قزلباش. *مجله تاریخ اسلام*، ۱۳، ۶۴-۷۹.
- حسین‌زاده راد، کاوه (۱۳۸۸). آیا مقاومت در برابر قدرت امکان‌پذیر است. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۸، ۱۱۹-۱۲۹.
- حسینی، سامیه بای (۱۳۹۲). معرفی و بررسی زیورآلات ترکمن «آسیب‌شناسی بازار فروش محصولات». *پژوهش هنر*، ۱(۳)، ۱۲۹-۱۳۴.
- ذابح، الهام و حاتم، غلامعلی (۱۳۹۲). جستاری در مفاهیم نقوش سوزندوزی ترکمنان گنبد کاووس. *فصلنامه علمی-پژوهشی نگره*، ۲۸، ۶۹-۷۸.
- رضوان‌فر، مرتضی (۱۳۹۵). مسجد جمعه شهر دربند و کتیبه‌های فارسی آن؛ واقع در منطقه قفقاز روسیه. *فصلنامه علمی فناوری هنری اثر*، ۷۴، ۸۹-۱۰۲.

زرگری‌نژاد، حامد و غلامحسین، کاظم‌زاده (۱۳۸۷). چرخ‌سها؛ بحران خاموش، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱(۲)، ۸۶-۱۰۱.

سید بنکدار، سید مسعود (۱۳۹۵). بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفویه. فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، ۴(۵۶)، ۱۹۵-۲۱۸.

شورمیچ، محمد (۱۳۹۵). نقش گیلان در روند قدرت‌گیری شاه اسماعیل اول صفوی برای تصاحب سلطنت. جستارهای تاریخی، ۷(۲)، ۶۷-۸۵.

فیضی سخا، مهدی (۱۳۸۹). چگونگی مهاجرت صوفیان ایرانی به شبه‌قاره در عصر صفوی. دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره، ۱۱(۳۷)، ۱۱۵-۱۳۶.

کبیری، فرانک و امیرحاجلو، پریسا (۱۳۹۳). بررسی نقش‌مایه‌های جانوری در قالی ترکمن. دوفصلنامه هنرهای کاربردی، ۴، ۳۹-۵۰.

Aspers, P., & Godart, F. (2013). Sociology of fashion: Order and change. *Annual Review of Sociology*, 39, 171-192.

Akdemir, N. (2018). Visible expression of social identity: The clothing and fashion. *Gaziantep University Journal of Social Sciences*, 17(4), 1389-1397.

VRENCOSKA, G. (2009). Political statements in conceptual fashion: The voice of national sentiments as a self-reference in the ready-to-wear collections of Alexander McQueen and Hussein Chalayan. *Annual Review*, 2(867), 867-883.

Noruzi, H., & Kermani, I. (2015). Concepts of Motifs in Culture: a Review of the Jewelry of Turkmen Women. *Chitrolekha International Magazine on Art & Design*, 5(2).

Diba, L. S. (2011). *Turkmen Jewelry: Silver Ornaments from the Marshall and Marilyn R. Wolf Collection*. Metropolitan Museum of Art.

Гаген-Торн, Н. И. (1960). ЖЕНСКАЯ ОДЕЖДА- НАРОДОВ Поволжья- (МАТЕРИАЛЫ К ЭТНОГЕНЕЗУ Чувашское государственное издательство Чебоксара.

Roach -Higgins, M. E., & Eicher, J. B. (2014). Dress and Identity, *Journal Clothing and Textiles Research*, DOI: 10.1177/0887302X9201000401 on behalf of: International Textile and Apparel Association, Downloaded from ctr.sagepub.com at Serials Records, University of Minnesota Libraries on February 5, 2014z.

منابع اینترنتی

تارنمای شماره ۱

http://www.iikss.com/fa/index.php/route/news_det/MzcyNw/%D8%A7%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%A7%D8%B4%DB%8C%D9%87_%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7%DB%8C_%D8%AE%D8%B2%D8%B1-1

تارنمای شماره ۲

http://www.iikss.com/fa/index.php/route/news_det/MzcyOA/%D8%A7%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%A7%D8%B4%DB%8C%D9%87_%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7%DB%8C_%D8%AE%D8%B2%D8%B1-2

تارنمای شماره ۳

<https://chtn.ir/news/1395052421/%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D8%AD%D9%86%D8%A7%D8%A8%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86-%D9%82%D9%88%D9%85-%D9%82%D8%B2%D9%84%D8%A8%D8%A7%D8%B4-%D8%AF%D8%B1->

%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D8%AB%D8%A8%D8%AA-
%D9%85%D9%84%DB%8C

تارنمای شماره ۴

<https://www.irna.ir/photo/83447933/%D8%AC%D8%B4%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF-%D9%88-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF-%D8%B1%D9%88%D8%B3%D8%AA%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%DA%AF%D8%A7%D9%84%DB%8C%DA%A9%D8%B4>

تارنمای شماره ۵

<https://iqna.ir/fa/news/3808827/%D9%85%D9%87%D8%AC%D9%88%D8%B1-%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%86-%D9%84%D8%A8%D8%A7%D8%B3%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D9%86%D8%AA%DB%8C-%D8%A7%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%85-%D8%A8%DB%8C%E2%80%8C%D8%AA%D9%88%D8%AC%D9%87%DB%8C-%D9%85%D8%AA%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D9%BE%D9%88%D8%B4%D8%B4-%D9%85%D8%AD%D9%84%DB%8C>

تارنمای شماره ۶

<https://iqna.ir/fa/news/3808827/%D9%85%D9%87%D8%AC%D9%88%D8%B1-%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%86-%D9%84%D8%A8%D8%A7%D8%B3%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D9%86%D8%AA%DB%8C-%D8%A7%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%85-%D8%A8%DB%8C%E2%80%8C%D8%AA%D9%88%D8%AC%D9%87%DB%8C-%D9%85%D8%AA%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D9%BE%D9%88%D8%B4%D8%B4-%D9%85%D8%AD%D9%84%DB%8C>

تارنمای شماره ۷

<https://www.zaryanin.com/alexander/histchuv-en/>

تارنمای شماره ۸

<http://komandak.ru/%D0%A0%D0%BE%D1%81%D1%81%D0%B8%D1%8F/%D1%87%D1%83%D0%B2%D0%B0%D1%88%D0%B8>

تارنمای شماره ۹

<https://zidanio.livejournal.com/28937.html>

تارنمای شماره ۱۰

https://art16.ru/gallery2/v/artgal/iskusstvo_chuvashii/dsc04839.jpg.ht

تارنمای شماره ۱۱

<http://www.museum.ru/C1586>

تارنمای شماره ۱۲

<http://www.museum.ru/M1336item>

تارنمای شماره ۱۳

<http://www.museum.ru/C3975>

تارنمای شماره ۱۴

<http://www.museum.ru/alb/image.asp?4019>

- تارنمای شماره ۱۵
<http://collection.kunstkamera.ru/entity/OBJECT/200557?query=%25D0%25BC%25D0%25BE%25D1%2580%25D0%25B4%25D0%25B2%25D0%25B0&index=129>
- تارنمای شماره ۱۶
<https://yarodom.livejournal.com/1885322.html>
- تارنمای شماره ۱۷
<https://m.russiainphoto.ru/photos/107232/>
- تارنمای شماره ۱۸
<https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b53101493d?rk=965670;0>
- تارنمای شماره ۱۹
https://up74.ru/articles/obshchestvo/116060/?utm_referrer=https://zen.yandex.com/%3Ffromzen%3Dsearchapp&fbclid=IwAR0fxKc7JH9RnpeEnRyrmPSonQu2OCjQ1XaP31X4704XJ64y97c--PVdRq0
- تارنمای شماره ۲۰
<https://m.russiainphoto.ru/photos/107250/>
- تارنمای شماره ۲۱
<https://rbvekpros.livejournal.com/202934.html>
- تارنمای شماره ۲۲
<http://www.enc.cap.ru/?t=publ&hry=286&lnk=2355>
- تارنمای شماره ۲۳
<http://collection.kunstkamera.ru/entity/OBJECT/74274?query=%D0%91%D0%B0%D1%88%D0%BA%D0%B8%D1%80%D0%BA%D0%B0&person=3539690&index=3>
- تارنمای شماره ۲۴
<https://zidanio.livejournal.com/17207.html>
- تارنمای شماره ۲۵
http://www.iikss.com/fa/index.php/route/news_det/MzcyNw/%D8%A7%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%A7%D8%B4%DB%8C%D9%87_%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7%DB%8C_%D8%AE%D8%B2%D8%B1-1
- تارنمای شماره ۲۶
<https://palestineheritage.org/main-gallery/>